

مجله دست آوردهای روان‌شناختی
(علوم تربیتی و روان‌شناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۸۸
دوره چهارم، سال شانزدهم، شماره ۱
ص ص: ۱۲۴-۱۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۱۱/۴
تاریخ بررسی مقاله: ۸۷/۱/۳۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۱۲/۱۷

مقایسه‌ی هیجان‌خواهی، عزت‌نفس، جوّ عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی در نوجوانان پسر بزهکار و عادی

دکتر حسین شکرکن*

دکتر عبدالکاظم نیسی**

اسفندیار سپه‌وند***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه هیجان‌خواهی، عزت‌نفس، جوّ عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی در نوجوانان پسر بزهکار و عادی شهر اهواز انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه نوجوانان پسر بزهکار مستقر در کانون اصلاح و تربیت بود که از این جامعه نمونه‌ای به تعداد ۹۲ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید. به علاوه، تعداد ۹۴ نفر نوجوان غیر بزهکار برای مقایسه با نوجوانان بزهکار از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر اهواز به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای تحقیق از آزمون‌های هیجان‌خواهی، عزت‌نفس، جوّ عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی با روایی و پایایی قابل قبول استفاده شد. به منظور مقایسه دو گروه نمونه در متغیرهای مذکور از تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین دو گروه از لحاظ هیجان‌خواهی، عزت‌نفس، جوّ عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین، نتایج نشان داد که دو گروه از لحاظ پنج خرده‌مقیاس از هشت خرده‌مقیاس جوّ عاطفی (تأیید کردن، تشویق، محبت، امنیت و اعتماد) تفاوت معنی‌دار دارند.

کلید واژگان: هیجان‌خواهی، عزت‌نفس، جوّ عاطفی خانواده، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، بزهکاری

* استاد بازنشسته، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران shokrkon_h@yahoo.com

** دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران kazem23@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران

مقدمه

بزهکاری کودکان و نوجوانان به عنوان یک اختلال رفتاری و اجتماعی از دیر زمان در جوامع مختلف مورد توجه صاحب نظران علوم اجتماعی، روان‌شناسی و متخصصین تعلیم و تربیت بوده است و جامعه‌شناسان این پدیده را به عنوان یک مسأله اجتماعی که نظم جامعه را تهدید می‌کند، پذیرفته‌اند. این مسأله همواره در پژوهش‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطرح بوده و شناخت علل ارتکاب آن مورد توجه بوده است. ناهنجاری‌هایی از قبیل استعمال دخانیات، ضرب و جرح، پرخاشگری، اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، تخریب وسایل و ابزار مدرسه، سرقت و قتل که از آفت‌های نظام آموزشی و نظام اجتماعی محسوب می‌شوند، به عنوان اعمال بزهکارانه شناخته شده‌اند. در تعریف بزهکاری بلومر^۱ (۱۹۸۰) معتقد است که هر عملی که انسان آگاهانه و بنا بر اختیار و اراده انجام می‌دهد و ضمناً با قوانین یک سازمان اجتماعی مخالفت داشته باشد، جرم تلقی می‌شود. حال اگر جرم در محدوده سنی کودکی تا نوجوانی رخ دهد، بزهکاری نامیده می‌شود (به نقل از تنهایی، ۱۳۷۴).

تحقیقات وسیعی به منظور پی بردن به علل و انگیزه‌های تخلف جوانان از قوانین و هنجارهای نظام اجتماعی انجام شده است. احدی (۱۳۷۱) در تحقیق خود نشان داد که عواملی از قبیل عوامل اقتصادی، سیاسی و تربیتی در بروز بزهکاری نوجوانان ایرانی نقش شایان توجهی دارند. ماسن، کیگان، هوستون، آلتا و وی^۲ (۱۹۸۴)، ترجمه یاسایی، (۱۳۷۶) در کتاب خود بیان می‌کنند که کمبودهای عاطفی و تربیتی از جمله عوامل مهم در بروز بزهکاری نوجوانان می‌باشند. نوجوانی دوره‌ای است که شروع و سیری متغیر دارد. دوره‌ای که مشخص کننده پایان کودکی و آغاز پیری پختگی است. تغییرات شدید جسمانی، بلوغ و رشد جنسی، سازش یافتن با احساسات جدیدی که تحت تأثیر تحولات دوران بلوغ به وجود آمده‌اند، رشد اجتماعی و حرکت به سوی دنیای بیرون، بحران هویت، نفی ارزش‌های موجود و گرایش به خلق ارزش‌های نو و تلاش برای پیاده کردن نظرات و باورهای خود، تکالیفی هستند که نوجوانان عهده‌دار آنند که البته سرانجام این تکالیف همیشه با موفقیت همراه نیست. در پی چنین تغییراتی در صورت عدم توجه به نوجوان و راهنمایی او برای این تغییرات ممکن

1- Blomer

2- Mussen, Kagan, Hoston, Alta, & Vay

است موجب کجروی او از ارزش‌های جامعه گردد و موجبات بزهکاری او گردند. نظریات متعددی در رابطه با علل رفتارهای بزهکارانه وجود دارند که در این پژوهش به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد. اولین نظریه در این رابطه نظریه سرشتی لمبروزو^۱ (۱۶۷۶)، به نقل از پوت‌واین و سامونز^۲، ۲۰۰۲، ترجمه نجفی توانا، (۱۳۸۳) است. بر اساس این نظریه افراد بزهکار دارای ویژگی‌های فیزیکی خاصی هستند که شباهت زیادی به انسان‌های اولیه دارند. نظریه دیگر نظریه شخصیت آیزنک^۳ (۱۹۷۱)، به نقل از پوت‌واین و سامونز، ۲۰۰۲، ترجمه نجفی توانا، (۱۳۸۳) است. این نظریه بر این اعتقاد قرار دارد که رفتارهای بزهکارانه از ویژگی‌های شخصیتی خاصی ناشی می‌شوند. به اعتقاد آیزنگ احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه در افرادی که نمره بالای در برون‌گرایی و روان رنجوری دارند بیش‌تر است. ترکیب این دو ویژگی منجر خواهد شد که فرد به طور مرتب به دنبال هیجان و تحریک پذیری باشد و هم‌چنین به دلیل بالا بودن روان رنجوری فرد سعی نمی‌کند از اشتباهات و تنبیهات خود درس عبرت بگیرد. بنابراین روند اجتماعی شدن در مورد این افراد به درستی انجام نخواهد شد که در نتیجه‌ی آن احتمال رفتارهای بزهکارانه افزایش می‌یابد. دیدگاه دیگر در مورد بزهکاری، نظریه روان‌کاوی است. این نظریه بر اهمیت انگیزه‌های غیر معقولانه و ناخودآگاه فرد در ارتکاب رفتارهای بزهکارانه تأکید می‌ورزد (به نقل از پوت‌واین و سامونز، ۲۰۰۲، ترجمه نجفی توانا، ۱۳۸۳).

روان‌شناسان به عنوان کارشناسان رفتار انسان با توجه به رویکردهای موجود در زمینه‌ی علل رفتارهای بزهکارانه، تبیین‌های مختلفی ارائه نمودند. برای مثال کارول و زاکرمن^۴ (۱۹۸۲)، به نقل از اتکینسون، اتکینسون و هیلگارد^۵، ۱۹۸۳، ترجمه براهنی و همکاران، (۱۳۷۱) بیان نمودند که بین انسان‌ها از نظر میزان هیجان‌خواهی تفاوت‌های زیادی وجود دارد و این ویژگی در موقعیت‌های مختلف زندگی از همسانی برخوردار است. بدین معنی که اشخاصی که در یکی از قلمروهای زندگی در پی تجارب تازه هستند در سایر عرصه‌های زندگی نیز به عنوان اشخاصی ماجراجو توصیف می‌شوند. در مورد نقش هیجان‌خواهی در ارتکاب بزه

-
- 1- Lombroso
 - 2- Putwain & Sammons
 - 3- Eysenck
 - 4- Carrol & Zuckerman
 - 5- Atekenson, Atekenson, & Hilgard

تحقیقات متعددی صورت گرفته است. کلاینتبرگ، هام و شالینگ^۱ (۱۹۹۲) در تحقیق خود که بر روی گروهی از مجرمان صورت گرفته بود، نشان دادند که این افراد در مقایسه با گروه عادی از نظر هیجان خواهی در سطح بالایی بودند و دارای حس ماجراجویی زیاد و در استقبال از خطر بی‌پروا بودند (کی‌نیا، ۱۳۷۴). آپتر^۲ (۱۹۹۳) نیز معتقد است که بسیاری از رفتارهای به ظاهر بی‌معنی از قبیل خرابکاری، اعمال منافی عفت، رفتارهای انحرافی و رفتارهای وحشیانه‌ای که افراد مرتکب می‌شوند در نتیجه نیاز انسان برای برانگیختگی است (هافمن^۳، ۱۹۹۴، به نقل از حسینی، ۱۳۸۲). هم‌چنین امروزه تنوع طلبی و کسب هیجان به عنوان انگیزه جرم در نوجوانان در بسیاری از کشورها در حال افزایش است (نوربها، ۱۳۷۷). عامل دیگری که توجه پژوهشگران در زمینه بزهکاری را به خود جلب کرده است، عزت نفس افراد است. این مفهوم از مفاهیمی است که بسیار مورد توجه محققین بوده است و تحقیقات زیادی را به خود اختصاص داده است. کوپر اسمیت^۴ (۱۹۷۴) عزت نفس را قضاوت شایستگی شخصی می‌داند که در نگرش‌های فرد در رابطه با خود نمود یافته است. عزت نفس با تخمین فرد از توانایی خود رابطه دارد به گونه‌ای که وقتی میزان عزت نفس بالا باشد، فرد میزان فعالیت خود را افزایش می‌دهد و احساس توانایی خود را در برخورد با مشکلات و انجام وظایف محوله در سطح مطلوب و بالایی ارزیابی می‌کند. هم‌چنین عزت نفس با حس اتکا به نفس، احساس ارزش‌مندی و تصور فرد از خود مرتبط است، به نحوی که هر گونه نقصان در عوامل مذکور سبب تغییراتی در کل رفتار فرد می‌شود. در خصوص ارتباط بین عزت نفس و اعمال بزهکارانه در نوجوانان تحقیقاتی زیادی صورت گرفته است. لهرانپور (۱۳۸۱) در پژوهش خود در مورد مقایسه عزت نفس نوجوانان بزهکار و عادی که در شهر اهواز صورت گرفته بود، نشان داد که عزت نفس نوجوانان بزهکار به طور معنی‌داری پایین‌تر از افراد عادی است.

عامل دیگر بزهکاری که مورد توجه محققان قرار گرفته است، جو عاطفی خانواده است. خانواده نخستین محیط اجتماعی است که کودک را تحت سرپرستی و مراقبت خود قرار می‌دهد. این محیط بیش از محیط‌های دیگر در رشد و تکامل فرد تأثیر دارد و کودک را بیش از

1- Klinteberg, Hum, & Schalling

2- Apter

3- Hafman

4- Coopersmith

این که از اوضاع اجتماعی خارج از خانه متأثر شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این محیط کودک آرزوها و نیازهای خود را برآورده می‌سازد و از طریق رفتارها و روابط با والدین به راه و رسم زندگی آشنا می‌شود و درس مهر و قهر، محبت و خشونت، سازگاری و ناسازگاری، تعاون و تنازع، وظیفه شناسی و فرار از مسئولیت را فرا می‌گیرد (قائمی، ۱۳۶۴).

تحقیقات زیادی در مورد ارتباط بین جو عاطفی خانواده و بزهکاری نوجوانان صورت گرفته است. وست و فارینگتون^۱ (۱۹۷۳) در تحقیق خود دریافتند که کودکانی که مورد بی‌رحمی والدین واقع شده بودند و یا دارای والدین سهل انگار و غفلت کننده و خشن و فاقد تعامل با کودکان خود بودند بیش تر به سوی بزهکاری کشیده شده‌اند. چاپمن و راتر^۲ (۱۹۸۹) نیز دریافتند که تجارب تلخ زندگی خانوادگی در دوران کودکی موجب به وجود آمدن مشکلات رفتاری و رفتارهای بزهکارانه در افراد می‌شود (به نقل از کلارک و فریدمن^۳، ۱۹۸۷).

در مطالعه‌ی دیگر که توسط باندورا و والتز^۴ (۱۹۵۹)، به نقل از ماسن و کانگر^۵ (۱۹۷۴) صورت گرفته است، نشان داده شد که والدین افراد بزهکار در مقایسه با والدین افراد غیر بزهکار بیش تر طرد کننده و کم محبت بودند. هم‌چنین این گونه پدران در صورت رخداد اشتباهی از جانب پسران خود آنها را مورد استهزا قرار می‌دهند و رابطه‌ی آنها با پسران خود بیش تر ظالمانه و توأم با غفلت بوده است. احدی (۱۳۷۱) نیز در مطالعه خود دریافت که روابط خانوادگی نوجوانان بزهکار در مقایسه با افراد غیر بزهکار در حد متعارف نبوده است. به این معنی که سازش والدین با یکدیگر و احترام آنها نسبت به هم کم بوده و بین آنها تفاهم و همفکری وجود نداشته است. تحقیقات اخیر نیز مؤید این نتایج بوده است. جنیفر و پاترسون^۶ (۲۰۰۶) در تحقیق خود که هدف آن بررسی رابطه نوع خانواده با بزهکاری نوجوانان بوده است، پی بردند که بهترین پیش‌بینی کننده بزهکاری نوجوانان کیفیت رابطه‌ی آنها با والدین خود بوده است. به این معنی که بد بودن کیفیت روابط بین نوجوانان و والدین آنها

-
- 1- West & Farington
 - 2- Chapman & Rutter
 - 3- Clark & Fridman
 - 4- Bandura & Walters
 - 5- Conger
 - 6- Jennifer & Patterson

مسبب بزهکاری آن‌ها بوده است.

عامل دیگری که مورد توجه محققان در زمینه‌ی بزهکاری قرار گرفته است، وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده است. وضعیت اجتماعی-اقتصادی شامل سطح سواد، نوع اشتغال، درآمد و محل سکونت و تعداد افراد خانواده می‌باشد. در مورد ارتباط وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده با بزهکاری، ایلینگورث^۱ (۱۹۸۶) اشاره می‌کند که بزهکاران بیش‌تر به خانواده‌هایی تعلق دارند که وضعیت اجتماعی-اقتصادی آنان پایین بوده است. در چنین خانواده‌هایی جمعیت زیاد، استانداردهای تحصیلی پایین، والدین بیکار، خانواده غفلت‌کننده و از هم گسیخته است. ماسن و همکاران (۱۹۷۴) نیز در کتاب خود اظهار می‌دارند که میزان بزهکاری در بین جوانان طبقه اجتماعی-اقتصادی پایین بیش‌تر است. پور عبدیان (۱۳۷۷) نیز در مطالعه خود نشان داد که نوجوانان بزهکار اکثراً متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته، نا به سامان و فقیر بوده‌اند. چانگ و استینبرگ^۲ (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود که بر روی ۴۸۸ نوجوان ۱۴ تا ۱۸ سال انجام دادند، نشان دادند که وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده و محیط زندگی نوجوانان با بزهکاری آنان رابطه داشته است. تاو و ستاکدال^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه خود بر روی ۳۲۹ نوجوان از اقلیت‌های مختلف نشان دادند که بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان رابطه معنی‌داری بوده است. با توجه به نظریات مطرح شده و مطالعات انجام گرفته در زمینه‌ی علل و عوامل مسبب بزهکاری در نوجوانان، محققان در پژوهش حاضر در پی آنند که نقش متغیرهای هیجان‌خواهی، عزت نفس، جو عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده را در بزهکاری نوجوانان پسر از طریق مقایسه آنها با نوجوانان پسر غیر بزهکار مورد بررسی قرار دهند.

در این پژوهش چهار فرضیه مطرح شده است که عبارتند از:

۱- هیجان‌خواهی نوجوانان پسر بزهکار از هیجان‌خواهی نوجوانان پسر غیر بزهکار بالاتر است.

۲- عزت نفس نوجوانان پسر بزهکار از عزت نفس نوجوانان پسر غیر بزهکار پایین‌تر است.

1- Illingworth

2- Chung and Steinberg

3- Thao and Stockdale

۳- جو عاطفی خانواده نوجوانان پسر بزهکار از جو عاطفی خانواده نوجوانان پسر غیر بزهکار نامطلوب‌تر است.

۴- وضعیت اجتماعی-اقتصادی نوجوانان پسر بزهکار از وضعیت اجتماعی-اقتصادی نوجوانان پسر غیر بزهکار پایین‌تر است.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق شامل کلیه نوجوانان پسر بزهکار مستقر در کانون اصلاح و تربیت شهر اهواز و هم‌چنین کلیه دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهرستان اهواز که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ مشغول به تحصیل بودند، می‌باشد. جامعه نوجوانان پسر بزهکار مشتمل بر ۱۷۷ نفر در زمان تحقیق بودند که ۱۰۰ از آن‌ها به طور تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. لازم به ذکر است که از این تعداد تنها ۹۲ نفر با محقق در زمینه‌ی تکمیل پرسش‌نامه‌ها همکاری نمودند. گروه نمونه پسران غیر بزهکار با توجه به دامنه‌ی سنی نوجوانان بزهکار به تعداد ۱۰۰ نفر از بین دبیرستان‌های شهر اهواز به روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزار تحقیق

مقیاس هیجان‌خواهی^۱ (SSS). این مقیاس فرم کوتاه مقیاس هیجان‌خواهی زاكرمن (۱۹۷۹)، به نقل از موسوی شوشتری، (۱۳۸۱) است و شامل ۱۵ سؤال دو گزینه‌ای صحیح و غلط می‌باشد. سؤالات این مقیاس برای ارزیابی تمایل فرد به فعالیت‌های مخاطره آمیز به کار می‌رود. پایایی این مقیاس توسط زاكرمن و آیزنگ (۱۹۷۸)، به نقل از موسوی شوشتری، (۱۳۸۱) در حدود ۰/۸۵ تا ۰/۸۶ برآورد شده است. کامکاری (۱۳۶۹)، به نقل از موسوی شوشتری، (۱۳۸۱) نیز با استفاده از روش‌های تصنیف، گاتمن و آلفای کرونباخ ضریب پایایی آن را به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۵ و ۰/۷۰ محاسبه نمود. لکن کرولا^۲ (۱۹۸۸)، به نقل از موسوی شوشتری،

1- sensation seeking scale

2- Laken Kerolla

(۱۳۸۱) ضریب اعتبار این مقیاس را ۰/۸۳ ذکر کرده است. کامکاری (۱۳۶۹)، به نقل از موسوی شوشتری (۱۳۸۱) نیز از طریق همبسته کردن نمرات این مقیاس با نمرات پرسش‌نامه تیپ شخصیتی الف (TAQ)^۱ ضریب اعتبار آن را ۰/۳۹ و از طریق همبسته نمودن با مقیاس اعتبار سازه‌ای این ضریب برابر با ۰/۵۹ محاسبه گردید که در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار بود.

مقیاس عزت‌نفس. این مقیاس که توسط کوپر اسمیت (۱۹۶۷) تهیه و تدوین گردید، دارای ۵۸ ماده، خود گزارشی و مداد کاغذی است. ۸ ماده از این مقیاس دروغ سنج می‌باشند و ۵۰ ماده دیگر آن به ۴ خرده مقیاس عزت‌نفس خود کلی، عزت‌نفس اجتماعی (همسالان)، عزت‌نفس خانوادگی (والدین) و عزت‌نفس تحصیلی (آموزشگاه) تعلق دارند. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) ضریب پایایی این مقیاس را با استفاده از روش بازآزمایی و بعد از ۵ هفته برابر با ۰/۷۰ به دست آوردند. در تحقیق شکرکن و نیسی (۱۳۷۳) ضرایب پایایی به روش بازآزمایی برای دانش‌آموزان پسر و دختر به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ گزارش شده است. در تحقیق حاضر نیز ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ و تنصیف گاتمن به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۷۷ به دست آمد. تحقیقات متعدد ضریب اعتبار این مقیاس را تأیید نمودند. در مطالعه شکرکن و نیسی (۱۳۷۳) ضریب اعتبار این مقیاس از طریق همبسته کردن نمره‌های آن با معدل آخر سال دانش‌آموزان پسر و دختر محاسبه گردید. ضرایب به دست آمده برای پسران ۰/۶۹ و برای دختران ۰/۷۱ به دست آمد که در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار بودند.

مقیاس جو عاطفی خانواده^۲ هیل برن. مقیاس جو عاطفی خانواده توسط هیل برن در سال ۱۹۶۴ (به نقل از موسوی شوشتری ۱۳۸۱) جهت سنجش میزان مهرورزی در تعاملات کودک-والدین ساخته شد و در بردارنده ۸ خرده مقیاس محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق و احساس امنیت می‌باشد. این مقیاس شامل ۱۶ سؤال می‌باشد که هر دو سؤال به یک خرده مقیاس مرتبط است. پاسخ به سؤالات به صورت مقیاس لیکرت و رتبه بندی پنج گزینه‌ای می‌باشد. در خصوص پایایی این پرسش‌نامه، موسوی شوشتری (۱۳۸۱) در تحقیق خود ضرایب پایایی هشت خرده مقیاس جو عاطفی خانواده با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۶ تا ۰/۷۹ و با استفاده از روش بازآزمایی بین ۰/۵۳ تا

1- Type A questionnaire

2- Affective family climate

۰/۷۸ محاسبه نمود. در تحقیق حاضر نیز ضرایب پایایی هشت خرده مقیاس این پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۵۲ تا ۰/۷۴ و با استفاده از روش تنصیف بین ۰/۴۹ تا ۰/۸۱ محاسبه گردید و ضریب پایایی کل مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ و با استفاده از روش تنصیف برابر با ۰/۸۱ محاسبه گردید که گویای پایا بودن پرسش‌نامه جو عاطفی خانواده می‌باشد.

پرسش‌نامه وضعیت اجتماعی-اقتصادی. این پرسش‌نامه شامل ۸ شاخص شامل شغل والدین، تحصیلات والدین، درآمد خانواده، تعداد خواهران و برادران، نوع محل سکونت، موفقیت و ارزش محل سکونت، تعداد اطاق‌ها و قدمت محل سکونت می‌باشد که جهت اندازه‌گیری وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ که یافته‌های توصیفی را نشان می‌دهد، بیانگر میانگین بالاتر در متغیر هیجان‌خواهی برای نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان عادی می‌باشد. هم‌چنین میانگین‌های عزت‌نفس، جو عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی در نوجوانان بزهکار نسبت به گروه عادی پایین‌تر بود.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره کسب شده متغیرهای تحقیق در دو گروه نوجوان بزهکار و عادی

متغیرها	میانگین		انحراف معیار		حداقل نمره کسب شده		حداکثر نمره کسب شده		تعداد
	عادی	بزهکار	عادی	بزهکار	عادی	بزهکار	عادی	بزهکار	
هیجان‌خواهی	۶/۱۸	۹/۶۴	۱/۹۰	۱/۹۵	۲	۵	۱۳	۱۳	۹۴
عزت‌نفس	۳۲/۸۰	۲۴/۴۵	۶/۳۳	۵/۸۲	۱۴	۱۳	۴۹	۳۹	۹۴
جو عاطفی خانواده	۵۵/۱	۴۵/۸۶	۱۱/۱۸	۹/۵۵	۲۲	۱۶	۷۵	۷۰	۹۴
وضعیت اجتماعی-اقتصادی	۴۱/۵۲	۲۵/۳۵	۹/۲۲	۵/۹۰	۲۳	۱۴	۷۲	۴۱	۹۴

یافته‌های جدول ۲ بیانگر آن هستند که میانگین‌های گروه بزهکار در خرده مقیاس‌های جو عاطفی و عزت‌نفس نسبت به گروه عادی پایین‌تر می‌باشد.

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره کسب شده در خرده مقیاس‌های جو عاطفی خانواده و عزت نفس در دو گروه عادی و بزهار

متغیرها	میانگین		انحراف معیار		حداقل نمره کسب شده		حداکثر نمره کسب شده		تعداد
	عادی	بزهار	عادی	بزهار	عادی	بزهار	عادی	بزهار	
محبت	۸/۷۴	۶/۶۷	۱/۸۹	۱/۶۴	۲	۲	۱۰	۱۰	۹۴
نوازش	۵/۷۵	۶/۸۱	۱/۷۳	۲/۱۲	۲	۲	۱۰	۱۰	۹۴
تأیید	۵/۴۶	۷/۱۸	۱/۷۴	۲/۳۰	۲	۲	۱۰	۱۰	۹۴
تجربه مشترک	۵/۴۷	۵/۴۴	۱/۹۸	۲/۳۹	۲	۲	۱۰	۱۰	۹۴
هدیه	۵/۱۹	۵/۴۶	۱/۶۸	۲/۴۰	۲	۲	۹	۱۰	۹۴
تشویق	۵/۹۶	۷/۹۸	۱/۹۶	۲/۱	۲	۲	۱۰	۱۰	۹۴
اعتماد	۵/۸۱	۷/۱	۲/۱۱	۲/۱	۲	۲	۱۰	۱۰	۹۴
امنیت	۵/۴۷	۷/۸۱	۸/۹۲	۱/۹۹	۲	۲	۱۰	۱۰	۹۴
خود	۱۴/۲۵	۱۹/۴۱	۳/۷۷	۴/۳۳	۵	۷	۲۵	۲۸	۹۴
همسالان	۳/۱	۳/۷۵	۱/۶۴	۱/۲۹	۰	۰	۱۴	۶	۹۴
تحصیلی	۳/۱۴	۴/۵۰	۱/۳۰	۱/۴۰	۰	۲	۷	۷	۹۴
خانواده	۴/۱	۵/۲۶	۱/۵۱	۱/۶۸	۰	۱	۷	۸	۹۴

جدول ۳. نتایج کلی تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) متغیرهای تحقیق در دو گروه بزهار و عادی

نوع آزمون	ارزش	f	df فرضیه	df خطا	سطح معنی‌داری
اثر پیلایی ^۱	۰/۶۷۶	۹۴/۶۲	۴	۱۸۱	<۰/۰۰۱
لمبدای ویلکز ^۲	۰/۳۲۴	۹۴/۶۲	۴	۱۸۱	<۰/۰۰۱
اثر هتلینگ ^۳	۲/۰۹۱	۹۴/۶۲	۴	۱۸۱	<۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی ^۴	۲/۰۹۱	۹۴/۶۲	۴	۱۸۱	<۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، آزمون‌های چهارگانه تحلیل واریانس چندمتغیری مربوط به چهار متغیر تحقیق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند و بیانگر آن هستند

- 1- Pillai's Trace
- 2- Wilks' Lambda
- 3- Hotelling's Trace
- 4- Roy's Largest Root

که دو گروه بزهکار و عادی حداقل در یکی از چهار متغیر مورد مقایسه دارای تفاوت معنی‌دار می‌باشند.

برای بررسی تفاوت‌ها به طور دقیق‌تر، ادامه تحلیل واریانس در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج تفکیکی تحلیل واریانس مربوط به متغیرهای تحقیق در دو گروه بزهکار و عادی

شاخص‌های آماری منبع	متغیرهای پیوسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار f	سطح معنی‌داری
گروه	هیجان‌خواهی	۵۶۰/۱۹	۱	۵۶۰/۱۹	۱۵۱/۰۳	<۰/۰۰۱
	عزت‌نفس	۳۲۳۷/۲۸	۱	۳۲۳۷/۲۸	۸۷/۴۸	<۰/۰۰۱
	جو عاطفی خانواده	۳۹۵۱/۸۵	۱	۳۹۵۱/۸۵	۳۵/۲۴	<۰/۰۰۱
	وضعیت اجتماعی-اقتصادی	۱۲۱۶۴/۷۳	۱	۱۲۱۶۴/۷۳	۲۰۲/۳۸	<۰/۰۰۱

یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهند که دو گروه بزهکار و عادی از لحاظ هیجان‌خواهی، عزت‌نفس، جو عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی دارای تفاوت معنی‌دار می‌باشند و بیانگر تأیید فرضیه‌های مربوطه می‌باشد.

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، آزمون‌های چهارگانه تحلیل واریانس مربوط به هشت خرده‌مقیاس جو عاطفی از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند و بیانگر آن هستند که دو گروه بزهکار و عادی حداقل در یکی از هشت خرده‌مقیاس مورد مقایسه دارای تفاوت معنی‌دار می‌باشند. برای بررسی تفاوت‌ها به طور دقیق‌تر ادامه تحلیل واریانس در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج کلی تحلیل واریانس چند متغیری در هشت خرده‌مقیاس جو عاطفی در دو گروه بزهکار و عادی

نوع آزمون	ارزش	f	df فرضیه	df خطا	سطح معنی‌داری
اثر پیلایی	۰/۳۸۶	۱۳/۵۱	۸	۱۷۲	<۰/۰۰۱
لمبدای ویلکز	۰/۶۱۴	۱۳/۵۱	۸	۱۷۲	<۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۰/۶۲۹	۱۳/۵۱	۸	۱۸۲	<۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۰/۶۲۹	۱۳/۵۱	۸	۱۷۲	<۰/۰۰۱

جدول ۶. نتایج تفکیکی تحلیل واریانس چند متغیری مربوط به خرده مقیاس‌های جو عاطفی در دو گروه بزهکار و عادی

شاخص‌های آماری	متغیرهای پیوسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	سطح معنی داری
گروه	محبت	۸۵/۱	۱	۸۵/۱	۲۶/۸۲	<۰/۰۰۱
	نوازش	۶/۱۷	۱	۶/۱۷	۱/۶	<۰/۲۰
	تایید	۱۳۵/۰۵	۱	۱۳۵/۰۵	۳۷/۰۹	<۰/۰۰۱
	تجربه	۷/۸	۱	۷/۸	/۰۰۰۱	۰/۹۹
	هدیه	۳/۲۹	۱	۳/۲۹	۰/۷۵	۰/۳۸۷
	تشویق	۱۸۵/۳۳	۱	۱۸۵/۳۳	۴۷/۵۵	<۰/۰۰۱
	اعتماد	۶۰/۴۹	۱	۶۰/۴۹	۱۴/۱۹	<۰/۰۰۱
	امنیت	۲۳۸/۰۴	۱	۲۳۸/۰۴	۶۰/۱۹	<۰/۰۰۱

یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهند که دو گروه بزهکار و عادی از لحاظ خرده مقیاس‌های محبت، تأیید، تشویق، اعتماد و امنیت دارای تفاوت معنی دار می‌باشند و بیانگر تأیید فرضیه‌های مربوطه می‌باشد.

همان طور که در جدول ۷ نشان داده شده است، آزمون‌های چهارگانه تحلیل واریانس مربوط به چهار خرده مقیاس عزت نفس از لحاظ آماری معنی دار می‌باشند و بیانگر آن هستند که دو گروه بزهکار و عادی حداقل در یکی از چهار خرده مقیاس مورد مقایسه دارای تفاوت معنی دار می‌باشند. برای بررسی تفاوت‌ها به طور دقیق‌تر ادامه تحلیل واریانس در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۷. نتایج کلی تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) در چهار خرده مقیاس عزت نفس در دو گروه بزهکار و عادی

نوع آزمون	ارزش	f	df فرضیه	df خطا	سطح معنی داری
اثر پیلایی	۰/۳۴۸	۲۲/۶۷	۴	۱۷۰	<۰/۰۰۱
لمبدای ویلکز	۰/۶۵۲	۲۲/۶۷	۴	۱۷۰	<۰/۰۰۱
اثر هاتلینگ	۰/۵۳۳	۲۲/۶۷	۴	۱۷۰	<۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۰/۵۳۳	۲۲/۶۷	۴	۱۷۰	<۰/۰۰۱

جدول ۸. نتایج تفکیکی تحلیل واریانس چند متغیری مربوط به چهار خرده مقیاس عزت نفس در دو گروه بزهکار و عادی

شاخص‌های آماری	متغیرهای پیوسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	سطح معنی‌داری
گروه	همسالان	۲۳/۱۱	۱	۲۳/۱۱	۱۰/۳۲	۰/۰۰۲
	خود	۳۲۳۷/۴۲	۱	۳۲۳۷/۴۲	۸۷/۶۵	<۰/۰۰۱
	خانواده	۶۸/۸۱	۱	۶۸/۸۱	۲۸/۶۶	<۰/۰۰۱
	تحصیلی	۸۷/۸۷	۱	۸۷/۸۷	۴۷/۸۵	<۰/۰۰۱

یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهند که دو گروه بزهکار و عادی از لحاظ خرده مقیاس‌های همسالان، خود، خانواده و تحصیلی دارای تفاوت معنی‌دار می‌باشند و بیانگر تأیید فرضیه‌های مربوطه می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر بررسی نقش متغیرهای هیجان‌خواهی، عزت نفس، جو عاطفی خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده در بزهکاری نوجوانان پسر بزهکار بوده است. در این راستا نوجوانان بزهکار با نوجوانان غیر بزهکار مقایسه گردیدند. فرضیات تحقیق بر این مبنا تدوین گردیده‌اند که میزان هیجان‌خواهی در بزهکاران بیش‌تر از افراد غیر بزهکار است و عزت نفس نوجوانان بزهکار کمتر از نوجوانان غیر بزهکار و جو عاطفی خانواده افراد بزهکار نامطلوب‌تر از افراد غیر بزهکار است. هم‌چنین وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده نوجوانان بزهکار نسبت به افراد غیر بزهکار پایین‌تر است. نتایج تحقیق فرضیه‌ها را مورد تأیید قرار دادند. بدین معنی که نتایج نشان داد که میزان هیجان‌خواهی در نوجوانان پسر بزهکار بیش‌تر از افراد غیر بزهکار بوده است. این نتیجه با نتایج تحقیقات هامبل و شالینگ (۱۹۹۲)، آپتر (۱۹۹۳، به نقل از حسینی، ۱۳۸۲)، نوربها (۱۳۷۷) که هیجان را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان قلمداد کرده بودند، همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که با توجه به این که نیاز انسان به هیجان‌خواهی همان تمایل شخص برای جستجوی جدید، تنوع طلبی، کسب هیجان‌های جدید و اشتیاق برای خطر کردن است (زاگرم، ۱۹۹۴)،

این گونه رفتار در اغلب موارد منجر به اعمال بزهکارانه در اجتماع می‌شوند. بی‌پروا بودن و به استقبال خطر رفتن که از خصوصیات بارز افراد با هیجان خواهی بالا است نیز یکی از علل ارتکاب افراد دارای این خصلت به اعمال بزهکارانه می‌باشد. از طرف دیگر بی توجهی به نوجوان و خواسته‌هایش نیز ممکن است منجر به تقویت خصلت هیجان خواهی جهت مطرح کردن خود در اجتماع گردد که پیامد آن ممکن است اعمال بزهکارانه باشد. نتایج تحقیق نیز نشان دادند که عزت نفس نوجوانان پسر بزهکار کمتر از نوجوانان غیر بزهکار بوده است. این نتایج با نتایج لهران پور (۱۳۸۱) که بیانگر پایین بودن عزت نفس در نوجوانان بزهکار است، همخوانی دارند. در مورد این یافته می‌توان این گونه استنباط کرد که چون عزت نفس با تخمین فرد از توانایی خود رابطه دارد، و افراد دارای عزت نفس بالا احساس توانایی خود را در برخورد با مشکلات در سطح مطلوب و بالایی ارزیابی می‌کنند، در نتیجه کمتر دچار مشکلات در زندگی خود می‌شوند تا افراد با عزت نفس پایین. از طرف دیگر عزت نفس با حس اتکا به نفس، احساس ارزش مندی و تصور فرد از خود رابطه دارد. بنابراین، افراد با عزت نفس پایین، بیش‌تر احساس عدم لیاقت می‌کنند و شکست خود را به عدم توانایی خود نسبت می‌دهند و در نتیجه این گونه تصورات آنان را به سمت اعمال بزهکارانه می‌کشاند. چون فردی که برای خود ارزش قائل است و خود را در حل مشکلات قادر می‌داند کمتر به مکانیسم‌های دفاعی دیگر که در بیش‌تر موارد منجر به اعمال ضد اجتماع می‌شود، متوسل می‌شود. نتایج تحقیق نیز نشان دادند که جو عاطفی خانواده نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان غیر بزهکار نامطلوب‌تر است. هم‌چنین یافته‌ها نشان دادند که نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان عادی کمتر مورد تأیید خانواده بوده و کمتر مورد محبت و توجه بوده‌اند و احساس امنیت کمتری در خانواده داشته‌اند. این یافته با یافته‌های جنیفر و پاترسون (۲۰۰۶) مبنی بر این که بهترین پیش‌بین کننده بزهکاری در نوجوانان کیفیت روابط آنها با والدین خویش است، همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که نوجوان در خانواده به غیر از خواب و خوراک نیازمند به توجه و هم‌چنین کسب استقلال و تأیید این استقلال از جانب والدین می‌باشد. بنابراین عدم تأیید و عدم توجه به خواسته‌های نوجوان موجب آزرده‌گی خاطر او از والدین می‌گردد. لذا ممکن است این آزرده‌گی از والدین به افراد ضعیف‌تر از خود در جامعه جا به جایی کند و ناراحتی خود را بر سر دیگران خالی نماید و مسبب اعمال بزهکارانه در اجتماع گردد. متغیّر دیگری که نتایج این پژوهش تفاوت آن را در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار

نشان دادند، وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده نوجوانان بزهکار پایین‌تر از جوانان غیر بزهکار است. این یافته با یافته‌های مایکل و شاول^۱ (۲۰۰۵) که فقر خانواده را عامل درگیری و تعارض بین فرزندان قلمداد کرده بودند و بین این تعارضات و بزهکاری نوجوانان رابطه معنی‌دار یافته بودند، هم‌خوانی دارد. هم‌چنین این یافته با نتایج هی لین و استینبرگ (۲۰۰۶) مبتنی بر وجود ارتباط بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده با بزهکاری نوجوانان هم‌خوانی دارد. به علاوه این نتایج با نتایج تاو و ستاکدال (۲۰۰۸) منبى بر وجود رابطه بین وضعیت اجتماعی خانواده با بزهکاری نوجوانان نیز هم‌خوانی دارد. در تبیین این یافته نیز می‌توان گفت که منزلت هر فردی به منزلت خانواده او در درجه اول بستگی دارد. بنابراین داشتن منزلت اجتماعی پایین در جامعه موجب ناراحتی نوجوان در آن خانواده می‌گردد. از طرفی نوجوان فعلی که خواهان شهرت است، ممکن است این شهرت را از قبل وضعیت اجتماعی خانواده یا از طریق وضع اقتصادی خانواده کسب کند. نوجوان امروزی می‌خواهد خود را از طریق لباس‌های رنگارنگ و هم‌چنین وسیله نقلیه و یا تلفن همراه خود را به دوستان خود مطرح نماید. بنابراین هر گونه کمبود در این وضعیت ممکن است موجب آرزوگری نوجوان گردد و نوجوان جهت مطرح کردن خود در جامعه متوسل به طرق غیر مشروع و مقبول در جامعه شود و بدین ترتیب دچار آسیب اجتماعی شود و اعمال بزهکارانه مرتکب شود.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که خانواده‌ها را در مورد ویژگی‌های نوجوانان آشنا نمود و نحوه تعامل با آن‌ها را به والدین آموزش داد. از طرف دیگر با مشارکت دادن نوجوانان در فعالیت‌های فوق برنامه زمینه‌ی لازم برای تخلیه هیجانات آنان به طور سالم فراهم نمود. احترام و ارزش‌گذاری به کودک قبل از رسیدن به دوران نوجوانی و ادامه‌ی آن در دوره‌ی نوجوانی موجب رشد عزت‌نفس نوجوانان می‌گردد. برنامه‌های ابراز وجود در مدارس می‌تواند در تقویت عزت‌نفس نوجوانان مؤثر باشد. کمک مالی از طرف مؤسسات خیریه و دولتی به خانواده‌های نیازمند باید در رأس برنامه‌های حمایتی از خانواده‌ها باشد. هم‌چنین ایجاد اشتغال و رونق بخشیدن به وضعیت اقتصادی خانواده می‌تواند عامل بازدارنده انحراف نوجوانان باشد.

1- Michael and Shaw

منابع

فارسی

- اتکینسون ریتال، ل، اتکینسون، ریچارد دومن و هیلگارد، ارنست. ر (۱۹۸۳). *زمینه روان‌شناسی*. ترجمه: محمدتقی براهنی، بهروز بیرشک، علی‌اکبر سیف، شکراله طریقتی، شهین علیایی زند، احمد محیط و مهدی محی‌الدین (۱۳۷۱). جلد اول. تهران: انتشارات رشد.
- احدی، حسن (۱۳۷۱). بررسی عوامل روانی-اجتماعی دزدی و انحرافات جنسی در نوجوانان. *مجله تربیت*، سال هشتم، شماره ۶.
- پوت واین، دیوید و سامونز، آیدن (۲۰۰۲). *روان‌شناسی و جرم*. ترجمه: داوود نجفی توانا (۱۳۸۳). تهران نشر میزان.
- پورعبدیان، شیما (۱۳۷۷). *بررسی وضعیت اجتماعی-اقتصادی در نوجوانان بزهکار*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- تنهایی، ابوالفضل (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات بدر.
- حسینی، مهران (۱۳۸۲). رابطه هیجان‌خواهی، برون‌گرایی و خشم در نوجوانان پسر بزهکار و عادی شهر تهران. *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، دوره چهارم، شماره دوم.
- شکرکن، حسین و نیسی، عبدالکاسم (۱۳۷۳). بررسی تأثیر عزت نفس بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر نجف‌آباد. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*. دوره سوم، سال اول، شماره اول، تابستان ۷۳.
- قائم‌ی، علی (۱۳۶۴). *خانواده و تربیت کودک*. تهران: انتشارات امیری.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۴). *روان‌شناسی جنایی*. تهران: انتشارات رشد.
- لهران‌پور، غلامعلی (۱۳۸۱). *مقایسه عزت‌نفس، جایگاه مهار و سبک اسنادی در نوجوانان پسر بزهکار و غیر بزهکار شهر اهواز*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- موسوی شوشتری، مژگان (۱۳۸۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*. دوره سوم، سال نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۸۱.

ماسن، پاول. هنری کیگان، جروم هوستون، آلتا کارون و کانجر، جان جی وی (۱۹۸۴). رشد و شخصیت کودکان. ترجمه: مهشید یاسایی (۱۳۷۶). چاپ یازدهم. تهران: انتشارات کتاب ماد.

نوربها، رضا (۱۳۷۷). زمینه جرم‌شناسی. تهران. گنج دانش.

لاتین

- Chung, H. L., & Steinberg, L. (2006). Relations between neighborhood factors, parenting behaviors, peer deviance, and delinquency among serious juvenile offenders. *Developmental Psychology, 42*, 2, 319-331.
- Clark, S. A., & Fridman (1987). *Child development: Infancy through adolescence*. U.S.A: John Wiley and sons Inc.
- Coopersmith, S. (1967). The Antecedents of self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology, 65*, 95-167.
- Gale, A. & Chapman, A. (1989). *Psychology and Social problems: An introduction to applied psychology*. New York. Jon Wiley and sons Inc.
- Illingworth, R. (1986). *The normal child* (8th ed). U.K: Churchill Liring tone Ine.
- Jennifer, L. & Patterson, C. J. (2006). Delinquency, victimization, and substance use among Adolescents with female same sex parents. *Journal of Family Psychology, 20*, 3, 526-530.
- Klinterberg, B. A., Hum, K. & Schalling (1992). Personality and psychopathy of males with a history of early criminal behavior. *European Journal of personality, 97*, 245-266.
- Michael, M. & Shaw, D. (2005). Sibling relationships as contexts for delinquency training in low- income family. *Journal of Family Psychology, 19*, 19, 592-600.
- Mussen, P., & Conger, J. (1974). *Child Development and Personality* (4 rd ed). New York: Harper and Row.
- Thao, N. L., & Stockdale, G. (2008). Acculturative Dissonance, Ethnic identity, and youth violence. *Cultural Diversity and Ethnic minority Psychology, 14*, 1, 1-9.
- Zuckerman, M. (1994). *Behavioral expressions and biosocial bases of sensation seeking*. Cambridge university press. In New York.

-
- Zuckerman, M., Eysenck, S. L., & Eysenck, Hand. L. (1978). Sensation seeking In England and America cross-cultural, age and sex comparison. *Journal of consulting and clinical Psychology*, 40, 1, 139-149.